



تحقق گام دوم انقلاب اسلامی از منظر حکمرانی اقتصادی

حسین بهرامی

چکیده. اقتصاد یکی از مهمترین بنیانها و ستون‌های اصلی یک حکومت و کشور است. از این رو توجه به سیکل‌ها و دوره‌های فراز و فرود دوره‌های گذشته یک جامعه و ترمیم و اصلاح نقشه‌اتاق‌های تصمیم‌گیری و مدیران میانی و اجرایی در اجرای یکپارچه‌الگوی پیشرفت درون‌زا و برون‌گرا، می‌تواند اساسی‌ترین راهبرد برای مستحکم نمودن حکمرانی اسلامی باشد. گام دوم انقلاب اسلامی در حقیقت عصر جدیدی است که پس از گذر ۴۰ سال از عمر انقلاب اسلامی و طی نمودن فراز و نشیب‌های مختلف نیاز است بر اساس الگوی خود در صدر اسلام به واکاوی درون خود بپردازد. در این مقاله سعی می‌شود ابتدا مؤلفه‌های «حکمرانی خوب» و به ویژه مؤلفه‌های اقتصادی آن، بررسی و نقد شود. در ادامه نیز به تشریح مؤلفه‌های اقتصادی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب پرداخته می‌شود و در نهایت از تحلیل و بررسی‌های صورت گرفته و آسیب‌شناسی‌های انجام گرفته؛ معیارها و شاخص‌هایی استخراج می‌گردد. روش گردآوری این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و روش اندیشه‌ورزی آن نیز انتقادی، تبیینی و تحلیلی و استنتاجی است.

کلیدواژگان: گام دوم، حکمرانی، حکمرانی اقتصادی، حکمرانی خوب، مؤلفه‌های گام دوم انقلاب اسلامی، مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی.

Realizing the second step of the Islamic Revolution from the point of view of economic governance

Abstract. The Economics is one of the most important pillars of a state and country. Thus, paying attention to the cycles and ups and downs of the past periods of a society, and restoration and redesign of decision-making chambers and middle and senior executives in Implement seamlessly the pattern of endogenous and extraverted progress, may be the most fundamental strategy to consolidate Islamic governance. The second step of the Islamic Revolution is, in fact, a new era that, after 40 years of Islamic Revolution, has had to go through various ups and downs Based on his model in the early days of Islam, his inner research. In this article, first, the components of "good governance", and especially its economic components, are reviewed and criticized. In the following The economic components of the second step of the Islamic Revolution from the point of view of the Supreme Leader are discussed below, and Finally analyzes and studies have been conducted and pathologies; criteria and indicators are extracted. The method of collecting this article is library and its method is critical, explanatory, analytical and deductive.

Keywords: Step Two, Governance, Economic Governance, Good Governance, Components of the Second Step of the Islamic Revolution, Components of Islamic Governance.

انقلاب اسلامی همچون نوری بود که بر اظلام زمین و زمان پایان بخشید و اسلام رحمانی را بعد از گذشت قرن‌ها بار دیگر بر مسند ولایت نشاند. این انقلاب که در تاسیس خود به فرموده‌ی معمار خود انفجار نور بود، برکات عظیمی را برای مردم ایران و حتی کشورهای منطقه و مستضعفین عالم و شیفتگان حق و حقیقت و یکتاپرستان به همراه آورد که در این مقال نه گسترده‌ی آن و نه طرح بحث آن نمی‌گنجد. اکنون پس از گذشت ۴ دهه از عمر انقلاب اسلامی لازم است که همچون نظام سرمایه‌داری برای پویایی و صدور نظام حکمرانی خود دست به تالیف و تعین چهارچوب‌ها و بینش و راهبردها در عرصه جهانی دست زد. از این‌رو رهبر معظم انقلاب به عنوان فرمانده کل قوا و ولی فقیه گام دومی را برای تولید علم و محتوا و تبیین انگاره‌های اسلامی پیش روی جهادگران علمی و عملی قرار دادند و بیش از پیش آنها را به مجاهدت در این زمینه تشویق نمودند.

یکی از مهمترین مواردی که از بیانیه گام دوم رهبر معظم انقلاب می‌توان استنباط نمود، لزوم پرداختن به «خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» و رقم زدن فصلی جدید از زندگی جمهوری اسلامی برای ظهور حضرت حجت (ع) است. لذا سنخ کلی بیانیه حاکی از هم‌افزایی در ابعاد مختلف برای تشکیل حکومت حضرت صاحب‌الزمان (ع) است. بنابراین حکمرانی و به ویژه حکمرانی اقتصادی که در متن بیانیه به صورت مستقیم و غیر مستقیم بدان اشاره می‌فرمایند بیانگر این است که اندیشه‌ورزی و تحقیق در موضوع حکمرانی در تمامی وجوه دارای اهمیت بسزایی است.

نظام سرمایه‌داری پس از اینکه در اواخر قرن هفدهم و پس از انقلاب صنعتی به نوعی جان گرفت و حرکت شتابان خودش را آغاز نمود، نزدیک به دو قرن طول کشید تا در نهایت در اواخر دهه ۱۹۹۰ نظریه حکمرانی خوب را ذیل نهاد بانک جهانی مطرح ساخت. البته این نظریه خود دارای مبانی و اصولی است که پس از تجربه دهه‌های قبل از آن به دست آمده است - که بدان اشاره خواهد شد. این فرآیند دو قرنی در تجربه و تولید متون و محتوا باعث می‌شود که از طرفی به تعداد سال سپری شده نظام غرب و مقایسه آن با انقلاب اسلامی مشحون از کارشکنی‌های داخلی و خارجی پرداخت. از طرفی دیگر نیز با توجه به تجربه صورت گرفته به تحلیل و بررسی و نقد مفاهیم تولید شده پرداخت و بر اساس مبانی اسلامی، موارد و نکات منطبق بر اسلام را پذیرفت و موارد دیگر را یا اصلاح و یا حذف نمود. در انتها نیز موارد ذکر نشده و عقلانی (نه عقلایی با مفهوم عقل ابزاری در اقتصاد) را به آن اضافه نمود.

حکمرانی خوب نقشه راهی است که کشورهای مسلط جهان و کشورهای غربی برای کشورهای جهان سوم ترسیم کرده‌اند و حرکت روی این نقشه به منزله تأمین منافع کشورهای مسلط است. براین اساس، حکمرانی خوب و شاخص‌های آن، که توسط نهادهای بین‌المللی تعریف و تبیین شده است، نمی‌تواند الگو و برنامه‌ای متعالی برای پیشرفت و توسعه جامعه بشری، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه و همچنین کشورهای اسلامی باشد. زیرا این نظریه و شاخص‌های مبتنی بر جهان‌بینی مادی بوده و در ثانی حکمرانی خوب و شاخص‌های آن در مقاطع مختلف تاریخی، عامل بحران‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نظامی در غرب و جهانی پیرامون بوده است (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷).

در این مقاله تلاش می‌شود تا ابتدا با تحلیل و بررسی شاخص‌های نظریه حکمرانی خوب، شاخص‌های سازگار با آموزه‌های اسلامی احصا شوند و در ادامه با توجه به نکات مطرح شده در بیانیه گام دوم انقلاب؛ به معیارهای شاخص حکمرانی اقتصادی در حکومت اسلامی پرداخته می‌شود.

ضرورت تحقیق

با توجه به ابلاغ بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و وجود مؤلفه‌های کلیدی اقتصادی در آن و نیاز بیش از پیش به سنجش و اندازه‌گیری میزان رشد و پیشرفت کشور در عرصه‌های مختلف کشور؛ به نظر می‌رسد که طراحی مدلی برای سنجش حکومت‌های

اسلامی و برآورد کردن میزان مسئولیت‌پذیری آنان نسبت به امور مادی و معنوی جوامع، این ضرورت را دارد تا در تحقیقاتی به تهیه و تدوین این شاخص‌ها پرداخته شود. صد البته کشورهای نظام سرمایه‌داری با پیشینه ۲۰۰ ساله و گستردگی ناشی از پروپاگاندای رسانه‌ای و دانشگاهی به ممیزهایی دست یافته‌اند اما این معیارهای از یک طرف اعورانه و سکولار و کاملاً بی تفاوت نسبت به امور معنوی جامعه بوده و از طرفی دیگر نیز شبهه‌های سیاسی و البته تمرکزگرا و عدم توجه به مناسبات منطقه‌ای و بومی هم می‌تواند جزء مقصورات این معیارها باشد.

اهمیت دیگری که این تحقیق دارد عبارت است از استفاده سیاسی از این شاخص‌ها و اندازه‌گیری‌ها از سوی بانک جهانی و کشورهای مسئول آن برای تحریم، تهدید و حتی ابزار فشار برای کشورهای اسلامی شود. متأسفانه این رفتار در مورد شاخص‌های فضای کسب‌وکار برای برخی کشورها از جمله شیلی اتفاق افتاد و مدیران بانک جهانی نیز بدان اقرار کردند. از این‌رو طراحی و تدوین شاخص‌هایی برای سنجش حکمرانی کشورها و بلکه استان‌ها و شهرها و منطقه‌ها؛ می‌تواند معیاری خوبی برای برآورد میزان مطابقت حکمرانی موجود - به ویژه در امر اقتصادی - با روح اسلام باشد.

پیشینه تحقیق

در پیشینه تحقیق با توجه به عنوان مقاله که به بررسی حکمرانی اقتصادی ذیل بیانیه گام دوم می‌پردازد؛ سعی می‌شود ابتدا به تحقیقات صورت گرفته روی موضوع متعارف حکمرانی خوب پرداخته شود و سپس مقالاتی که بر حکمرانی اقتصادی بر مبنای اسلام رهیافت‌هایی را به دست آورده‌اند، ذکر شود.

اولین تحقیق مدونی که در خصوص حکمرانی خوب در کشور صورت گرفته است به سال ۱۳۸۲ برمی‌گردد. احمد میدری دانشجوی دکتری رشته اقتصاد دانشگاه تهران موضوع حکمرانی خوب را به عنوان موضوع رساله خود برگزید و در سال ۱۳۸۲ از آن دفاع کرد. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۱۴ در طی نشست‌ی وی را برای ارائه بحث حکمرانی خوب که بخشی از موضوع رساله‌اش با عنوان «حکمرانی شرکتی» بوده دعوت کرد. این مؤسسه گزارش این نشست را در مجله بررسی‌های بازرگانی چاپ نمود. میدری در این نشست به مبانی نظری و پیشینه تاریخی حکمرانی خوب و در انتها نیز به بیان شاخص‌های بانک جهانی و بحث و بررسی این شاخص‌ها پرداخته است (میدری، ۱۳۸۲: ۱۴۴).

بعد از مطرح شدن این رساله و جدید بودن موضوع حکمرانی خوب، محققان دیگر نیز درصدد برآمدند تا به تبیین مفهوم حکمرانی خوب و سنجش حکمرانی خوب در ایران و منطقه و جهان و به طور کلی تحقیق در مورد حکمرانی خوب بپردازند. بررسی و مطابقت نظریه حکمرانی خوب از منظر اسلام نیز موضوع خوبی به نظر می‌رسید که محققان هنوز بدان نپرداخته بودند. تا اینکه اصغر مبارک و زیبا آذر پیوند در زمستان سال ۱۳۸۸ در مجله اقتصاد اسلامی مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی» به چاپ رساندند. در این مقاله با استفاده از روش داده‌های ترکیبی، عامل‌های نهادی شامل نهادهای حاکمیتی (حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت) را به طور جداگانه و کلی برای برخی از کشورهای اسلامی در دوره ۱۹۸۰ - ۲۰۰۵ بررسی شده است. اما آنچه که در این مقاله مطالعه شده است تاثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر برخی کشورهای اسلامی است و هیچ تحلیل و نقدی در خصوص شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام صورت نگرفته است. در انتهای مقاله نیز نویسنده نتیجه تحقیق را این‌طور بیان می‌کند: «میزان اثرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی برای کشورهای ایران، مصر، ترکیه و اندونزی نسبت به کشورهای دیگر اثرگذاری کمتری دارد». (مبارک و آذر پیوند، ۱۳۸۸).

محمد مهدی نادری در سال ۱۳۹۰ در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی خوب؛ معرفی و نقد اجمالی» به تعاریف و ابعاد و شاخص‌های حکمرانی خوب پرداخته و آن را مورد نقد و بررسی خود قرار داده است. وی در نتیجه‌گیری خود می‌گوید: «بانک جهانی با مقبولیت بالایی که دارد همه ساله بر اساس شاخص‌هایش در موضوع حکمرانی خوب، وضعیت حکمرانی در کشورهای مختلف را بررسی کرده و گزارش آن را به صورت رسمی منتشر می‌کند. این گزارش در تصمیم‌گیری‌ها و مباحثات داخلی و بین‌المللی بسیار تاثیرگذار است. از این رو بر ما لازم است اول این دستگاه را دقیق شناخته و دوم آن را بر اساس دیدگاه‌های اسلامی و به صورت علمی نقد کرد». (نادری، ۱۳۹۰: ۶۹)

حسینی تاش و واثق نیز در مقاله‌ای ابتدا حکمرانی خوب و شاخص‌های آن را با روش توصیفی - تحلیلی بررسی کرده و سپس حکمرانی شایسته را مطرح نموده‌اند. در ادامه شاخص‌های این دو رویکرد را از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین؛ تجزیه و تحلیل کرده و در نهایت، تعدادی از شاخص‌های حکمرانی شایسته از دیدگاه آن حضرت را با شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه نهادهای بین‌المللی و اندیشمندان غرب مقایسه کرده است. وی در این نوشتار معتقد است که حکمرانی خوب در یک فرهنگی مادی شکل گرفته است و قطعاً با فرهنگ اسلامی همخوانی ندارد و شاخص‌های آنها از نظر مبانی فلسفی متفاوت خواهد بود، لذا لازم است که محققان این موضوع را مورد تحقیق و تعمق و مذاقه قرار داده و شاخص‌های درخوری را در این زمینه به دست آورند. وی در انتها این‌گونه نتیجه می‌گیرد که حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته شاید در برخی شاخص‌ها به صورت لفظی یکی باشند اما مبانی فلسفی آنان متفاوت است؛ حکمرانی خوب بر پایه انسان‌محوری، دنیاگرایی بوده و حکمرانی شایسته بر اساس خدامحوری است. (حسینی تاش؛ واثق، ۱۳۹۳ ص ۷).

در مقاله‌ای دیگر ناظمی اردکانی (۱۳۸۷) سعی کرده است تا با مطالعه و جستجو در قانون اساسی ایران، الگویی از حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی ارائه کند و وجوه متمایز و مشترک آن را از ابعاد نظری در جدول‌هایی با عنوان حکمرانی خوب به تصویر درآورد و با استفاده از سخنان رهبر انقلاب اسلامی و مطالعاتی که درباره پستوانه‌های تاریخی حکمرانی خوب وجود دارد، اثبات کند که در طول ۵۰۰ سال تجربه حکمرانی در غرب در مقاطع مختلف تاریخی، حاکمان مغرب زمین، عامل بحران‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نظامی در غرب و جهان پیرامون بوده‌اند. لذا حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی می‌تواند عامل پایان این بحران‌ها باشد.

زهیری در مقاله‌ای با عنوان «نسبت سنجی بوم‌شناسانه الگوی حکمرانی خوب» اظهار می‌دارد که نهادهای بین‌المللی، حکمرانی خوب را در پاسخ به اوضاع نامطلوب جوامع در حال توسعه ارائه کردند. این الگو بیشتر بر اساس مبانی مهندسی اجتماعی ارائه شده است تا بر مهندسی فنی. الگوهای مهندسی اجتماعی بر رویکردهای شهروندمدار تأکید دارند و بخشی از حکمرانی را بر عهده شهروندان و به تعبیری جامعه مدنی می‌گذارند. در این تحقیق به دو جنبه توجه شده است: نخست، جنبه‌های فرهنگ دینی که اساسی‌ترین رکن هویت جامعه ایرانی است و دیگری، ظرفیت‌های محیطی برای انطباق یا عدم انطباق این الگو در ایران است. وی در نتیجه‌گیری ابراز می‌کند که بررسی‌ها نشان می‌دهد شاخص‌ها و ویژگی‌های حکمرانی خوب در سطح کلان توسط آموزه‌های دینی قابل استناد است، اما این شاخص‌ها به لحاظ معنایی و انطباق با آموزه‌های اسلامی تفاوت‌هایی دارند. به لحاظ محیطی نیز ظرفیت‌های قانونی این الگو را پشتیبانی می‌کنند؛ اما موانع ساختاری و کارکردی اجرای آن در جامعه ایران را با مشکل روبرو ساخته است (زهیری، ۱۳۹۳: ۸۷).

در تحقیقی دیگر شاکری و سردارنیا درصدد تحلیل و بررسی حکمرانی خوب و شاخص‌های آن در نهج البلاغه با رویکرد نظری - روشی زمینه‌گرایی یا اجتماع‌گرایی برآمده‌اند. آنها ابراز داشته‌اند موضوع حکمرانی خوب در نهج البلاغه در قالب یک الگوی کاملاً مطلوب فرا زمانی و فرا مکانی در بستر یک جامعه توحیدی اسلامی و پذیرش مشروط وضعیت‌مندی تمام شاخص‌های امروزی این مفهوم در اندیشه سیاسی غرب ترسیم شده است. در نتیجه‌گیری نیز تصریح کرده‌اند که درون‌مایه مؤلفه‌های

حکمرانی خوب اسلامی از یک ترکیب دوگانه تشکیل شده است. این مؤلفه‌ها در درجه نخست از جنبه شکل معنوی و توحیدی و در درجه بعدی از لحاظ مادی و دنیوی دارای اهمیت است. در حالی که درون‌مایه مؤلفه‌های حکمرانی خوب مطرح شده در غرب نشأت گرفته از اومانیزم و انسان محوری به جای خدامحوری و اولویت‌های عمدتاً عینی و کمتر تکامل جویانه است. (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳: ۲۷)

نیانگسو از دانشگاه تجارت و توسعه انسانی رنگو در مقاله‌ای انتقادی با عنوان «نقد و بررسی انتقادی ادبیات در مورد تأثیر حکمرانی خوب بر کیفیت خدمات» به نقد مفهوم حکمرانی خوب پرداخته است. وی در این مقاله اظهار می‌کند: حاکمیت یک مفهوم بسیار گسترده است و در هر سطح از جامعه فعالیت دارد. اگرچه به طور طبیعی حکومتداری معمولاً با سازوکارهایی که دولت‌ها برای تدوین، اجرا، نظارت، ارزیابی سیاست‌های عمومی آنها و تعامل با سایر بازیگران سیاسی استفاده می‌کنند، مشخص می‌شود، واقعیت این است که این مفهوم یک مفهوم بسیار گریزان بوده اگر گنگ نباشد. مفهوم "حکمرانی خوب"، اخیراً به عنوان یک مفهوم کلیدی در بحث حکومت ظهور کرده است. اخیراً تمرکز از "حاکمیت" به سمت "حکمرانی خوب" تغییر پیدا کرده است. عناصر اصلی حکمرانی خوب شامل پاسخگویی، شفافیت، اخلاق و صداقت است. وی در مقاله خود به بررسی انتقادی مطالعات انجام شده در رابطه با موضوع با توجه به تأثیر آن بر کیفیت خدمات و یافتن شکاف‌های موجود در ادبیات پرداخته و با استفاده از مدل SERVQUAL که توسط پاراسورامان و Zeithml درک مصرف کنندگان از کیفیت خدمات را می‌سنجد. این پیش فرض مبتنی بر این است که مشتریان می‌توانند کیفیت خدمات یک شرکت را با مقایسه ادراک خود از خدمات آن با انتظارات خود ارزیابی کنند. وی در ادامه بیان می‌کند از ادبیات بررسی شده مطالعات زیادی در مورد مسئولیت پذیری و شفافیت در مورد سهم آنها در بهبود کیفیت خدمات در بخش‌های مختلف اقتصاد جهانی از جمله آموزش، تحقیقات زیادی انجام شده است که اکثر آنها نتایج مثبت دارند. اما در مورد عنصر اخلاق و صداقت باید چیزهای بیشتری انجام شود. به نظر می‌رسد تعداد کمی از مطالعات روی این عنصر متمرکز بوده‌اند و به سختی هرکدام آن را در رابطه با یادگیری بالاتر تحقیق کرده‌اند. به طور کلی، این تحقیق نشان می‌دهد تعداد مطالعاتی که سعی در ارزیابی تأثیر «حکمرانی خوب» بر کیفیت آموزش دانشگاه دارند، کمبود قابل ملاحظه‌ای وجود دارد (Nyangueso, ۲۰۱۸).

نظریه حکمرانی خوب

نظر به اینکه حکمرانی اقتصادی در این مقاله موضوع بحث است لذا از دریچه اقتصاد به نظریه حکمرانی خوب پرداخته می‌شود. اقتصاد توسعه را از زمان تاسیس می‌توان به سه دوره تفکیک کرد (تری، ۱۳۸۵): الف) دوره دولت بزرگ ب) دوره دولت حداقل، ج) دوره حکمرانی خوب. دوره نخست از پایان جنگ جهانی دوم آغاز شد و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه یافت. این دوره مقارن با بازسازی ویرانی‌های جنگ در اروپا و طرح مارشال است (میدری، ۱۳۸۵). با وجود همه اختلاف‌ها بین دانشمندان، یک نقطه مشترک در بین آنها وجود داشت: "مداخله گسترده دولت برای دستیابی به توسعه اجتناب ناپذیر است"؛ همه با چارچوب‌های نظری متفاوت در این نتیجه گیری وحدت نظر داشتند. دولت به لحاظ نظری مجاز و عملاً در تمام بازارها از بازار کالا گرفته تا بازار ارز و سرمایه و کار مداخله کند. این منوال تا اواسط دهه ۱۹۷۰ ادامه یافت (مایر و سیرز، ۱۳۶۸).

در پایان دهه هفتاد میلادی این الگوی فکری جای خود را به الگوی دولت حداقل داد. در الگوی جدید، راهکار توسعه، مداخله کمتر دولت در اقتصاد و واگذاری امور به سازوکار بازار دنبال می‌شد. دولت ریگان و تاجر از طریق مغز متفکر مکتب شیکاگو یعنی میلتون فریدمن؛ طراح دولت حداقل بودند، دو کشوری که پیش‌تاز دولت مداخله گر و مبتکر دولت رفاه و ملی شدن صنایع بودند. این بار محافل بین المللی اقتصادی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی "دولت حداقل"، "حاکمیت قیمت‌ها و آزادسازی" و "خصوصی سازی" را راه نجات می‌دانستند و شعار پایان دوره دولت گرایی و آغاز دوران بازارگرایی را سرلوحه کار خود قرار دادند (میدری، ۱۳۸۵).

از اواسط دهه ۱۹۹۰ نارضایتی نسبت به رویکرد دولت حداقل شکل گرفت و از پایان آن دهه، پس از رویکرد «دولت بزرگ» و «دولت کوچک» رویکرد «حکمرانی خوب» مورد استقبال گسترده قرار گرفت. همان محافل بین المللی مروج دولت حداقل یعنی بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان ملل از دریچه های مختلف به این نظریه پرداختند. منظرو از حکمرانی خوب «اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخگویی و اثر بخشی» است (خیرخواهان و میدری، ۱۳۸۳ : ۲۷).

برنامه عمران سازمان ملل^۱ و صندوق بین المللی پول سیاستی به نام حکمرانی خوب را به عنوان کلید معمای توسعه مطرح نمودند. براساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل، حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومت داری (Isabelle Johnson, ۱۹۹۷ : ۹). به عبارت دیگر هر اندازه حاکمیت قانون بیشتر و دستگاه قضایی کارآمدتر و عادلانه تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد حکمرانی در آن کشور بهتر است. بانک جهانی حکمرانی خوب را براساس شش ویژگی تعریف می کند (Kaufman, et al, ۲۰۰۶):

۱. صدا و پاسخگویی
۲. بی ثباتی سیاسی و خشونت
۳. اثربخشی دولت: کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله
۴. بار مالی مقررات: مقررات اضافی و هزینه های آن
۵. حاکمیت قانون
۶. فساد

بانک جهانی از سال ۱۹۹۶ شروع به انتشار جایگاه حکمرانی کشورها در بین بیش از ۲۰۰ کشور در قالب ۶ شاخص اصلی حکمرانی خوب کرده است. بانک جهانی این شاخص ها را «شاخص های حکمرانی در سراسر جهان^۲» نامیده و کارگروه ویژه ای برای رصد و به روزرسانی آن تعیین کرده است. شاخص های حکمرانی خوب از ۳۳ منبع، از جمله نظرسنجی در بنگاه ها و شهروندان، و نظرسنجی های کارشناسی، از ۳۰ سازمان مختلف در سراسر جهان گردآوری می شود (World Bank, ۲۰۰۷: ۱۶). این گزارش ها شامل پاسخ دهندگان نظرسنجی، سازمان های غیردولتی، ارائه دهندگان اطلاعات کسب و کارهای (بنگاه های) تجاری و سازمان های بخش عمومی در سراسر جهان است (Kaufman, et al, ۲۰۱۰).

بانک جهانی معتقد است که مفاهیم موجود در مورد حکمرانی را ترسیم کرده و در تلاش است تا بین تعاریف بسیار وسیع و باریک حرکت کند، تا حکمرانی را به عنوان "سنت ها و نهادهایی که توسط قدرت آنها در یک کشور اعمال می شود؛ تعریف شود. این تعریف شامل (الف) فرآیند انتخاب دولت، نظارت و جایگزینی دولت ها است؛ (ب) ظرفیت دولت در تدوین و اجرای مؤثر سیاست های صحیح؛ و (ج) احترام شهروندان و دولت به مؤسساتی که تعاملات اقتصادی و اجتماعی بین آنها حاکم است". بانک جهانی دو معیار حاکمیت متناسب با هر یک از این سه حوزه ایجاد کرده است و در نتیجه آن شش بعد حاکمیت را به صورت زیر تعریف کرده است (Mastruzzi, Kraay, Kaufmann, ۲۰۱۰ : ۲):

(الف) فرایندی که دولت ها با انتخاب، نظارت و جایگزینی دولت ها انتخاب می شوند :

۱. صدا و پاسخگویی^۳ - گرفتن درک از میزان توانایی شهروندان یک کشور در انتخاب دولت خود و همچنین آزادی بیان، آزادی اجتماع و یک رسانه آزاد.

¹. Building United Nations

². Worldwide Governance Indicators(WGI)

³ Voice and Accountability (VA)

۲. ثبات سیاسی و عدم حضور خشونت / تروریسم^۱ - تصور درست از احتمال بی ثباتی یا سرنگونی دولت با ابزارهای غیرقانونی یا خشونت آمیز، از جمله خشونت و تروریسم با انگیزه سیاسی.

(ب) ظرفیت دولت در تدوین و اجرای مؤثر سیاست های صحیح :

۳. اثربخشی دولت^۲ - ثبت ادراک از کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات مدنی و میزان استقلال آن از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و اجرای سیاست ها و اعتبار تعهد دولت به اینچنین سیاست هایی.

۴. کیفیت نظارتی^۳ - دریافت تصورات از توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست ها و آیین نامه های صحیح که اجازه ترویج و توسعه بخش خصوصی را می دهد.

(ج) احترام شهروندان و دولت به مؤسساتی که تعاملات اقتصادی و اجتماعی بین آنها حاکم است:

۵. حاکمیت قانون^۴ - دریافت ادراک از میزان اعتماد به نفس مأمورین و پیروی از مقررات جامعه و به ویژه کیفیت اجرای قرارداد، حقوق مالکیت، پلیس و دادگاه ها و نیز احتمال جنایت و خشونت.

۶. کنترل فساد^۵ - اخذ ادراک از میزان اعمال قدرت عمومی برای منافع خصوصی، شامل هر دو نوع خرد و بزرگ فساد، و نیز "تصرف" دولت توسط نخبگان و منافع خصوصی. (همان، ۲۰۱۰: ۴).

در بسیاری از نقدهایی که از نظریه حکمرانی خوب از منظر دیدگاه اسلامی می شود، اغلب بینش مادی گرایانه و انسان محورانه این نظریه مد نظر بوده و رویکرد ماتریالیستی به عنوان عنصر مهم در تدوین شاخص ها و جمع آوری و کمی سازی داده ها مطرح می شود. اما این نقدها از یک سو و فقط به صورت کلی عنوان شده است در حالی با توجه به توضیحاتی که بانک جهانی در مورد شاخص های خود می دهد می توان قلمرو و تصور بانک جهانی از مفاهیم هر یک از شاخص ها، روش جمع آوری و نمونه گیری داده ها و حتی عناصر اصلی و میزان جامعیت و پوشش دادن حکمرانی را مورد بحث و بررسی قرار داد. علاوه بر این و مهمترین بحثی که به نظر می رسد هیچ کس بدان نپرداخته است، مسئله سیاسی خود اعلام این شاخص ها است. مسئله ای که خود تبدیل به حکمرانی عظیم و جهانی بانک جهانی برای پیشبرد سیاسی سرمایه داران و کشورهای قدرتمند به سرکردگی ایالات متحده امریکا شده است. این مسئله به حدی است که بانک جهانی به عنوان بازوی اصلی نظام سرمایه داری مسئولیت سیاست گذاری و پرداخت وام های سنگین بر کشورهای که راهبرد توسعه آنها را پیش می برند دارد. به علاوه دلیل تسلط ایالات متحده امریکا همین شاخص های زیبا را می توان به صورت تعریف و نمونه سنجی کرد که کشورهای مخالف را در جهان ضعیف و بدون رابطه و در حال فروپاشی و دارای حکمرانی ضعیف و متوسط و به دور از شاخص های برتر قرار داد. در حالی که شاخص های برتر جهانی بر اساس تفکر سرمایه داری و رشد در قالب نظام سرمایه داری تدوین و پیگیری می شود و در صورت وجود تفکر و نظام های متفاوت از نظام سرمایه داری نمی تواند روند قابل قبولی در این چهارچوب داشته باشد. لذا با توجه به سابقه هایی که در گزارش فضای کسب و کار در چند سال گذشته مثلا در قضیه کشور شیلی دیده شده است، امکان دست بردن در فرآیند این سنجش ها برای بهره برداری سیاسی دور از ذهن نیست.

1. Political Stability and Absence of Violence/Terrorism (PV)

2. Government Effectiveness (GE)

3. Regulatory Quality (RQ)

4. Rule of Law (RL)

5. Control of Corruption (CC)

گام اول انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حکومت در پی ساختن اساس و بنیان‌های حکومت و نهادسازی و تدوین قانون اساسی و مقررات برآمد. از طرفی دیگر دشمنان طماع و قدرت‌های مستکبر جهانی به ویژه امریکا مشکلات و کارشکنی‌های متعددی به وجود می‌آورد و سعی در سلب امنیت و آرامش و جلوگیری از تثبیت جمهوری اسلامی بود. علاوه بر این در این دوره که مقارن با سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۶۷ است و به عبارت دیگر دوره انقلاب تا پایان جنگ است، سیاست‌های عدالت‌خواهانه در راس سیاست‌های کلی کشور قرار گرفت و حاکمیت پس از دوران رقت بار و ظالمانه رژیم طاغوت در پی آن برآمد تا دولت را طبق اصول ۳ و ۴۳ و قانون اساسی، دولت را مسئول اصلی اقتصاد کشور و ایجاد شغل برای آحاد مردم قرار دهد. در کنار تعریف حضور پر رنگ دولت در اقتصاد، حکومت از طریق تاسیس نهادهایی چون کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی و بنیاد مستضعفان و جانبازان، سیاست‌های رفاهی دنبال شد. گسترش سوادآموزی و آموزش و پرورش رایگان و آموزش عالی و بهداشت نیز در راستای سیاست‌های عدالت‌ورزانه و افزایش رفاه مردم رایگان شد (زمانی، ۱۳۹۶: ۲۲).

با استعفای دولت موقت و بعد از دوران گذار ریاست جمهوری بنی صدر و بعد شهید رجائی، گفتمان حاکم بر دولت گفتمان یکپارچه نیروهای خط امام بود که در قالب حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز؛ در دهه شصت قدرت را با آرای مردم به دست گرفتند. این جناح در عرصه اقتصادی بر وجود یک بخش اقتصاد دولتی گسترده، برنامه‌ریزی متمرکز، پذیرش مسئولیت‌های پدیده از سوی دولت در تأمین عدالت اجتماعی، تحمل برخی کنترل‌های دولتی بر اقتصاد از جمله کنترل قیمت‌ها، محدودیت حقوق مالکیت خصوصی، محدود کردن فعالیت بخش خصوصی به‌ویژه در بخش توزیع و واسطه‌گریهای کاذب، ممنوعیت یا تحدید بسیار شدید سرمایه‌گذاری‌های خارجی و یک جهت‌گیری کلی برای نیل به خودکفایی تأکید می‌کرد (انجمن پژوهشگران ایران، ۱۳۷۲: ۳۰). البته در این دوران نخست‌وزیر که از سوی پارلمان انتخاب می‌شد مسند امور را داشت و صد البته شکاف کاملاً دوگانه‌ای بین وزرا و در راس آنها نخست‌وزیر با رئیس جمهور وقت بود. رویکرد مذکور برای کابینه بوده در حالی که رئیس جمهور حتی در دوران جنگ معتقد بود که اقتصاد باید مردمی باشد و دولت باید زمینه حضور مردم را در صحنه اقتصاد فراهم کند. اما اصلاً این نوع حضور تنها متوجه بخش خصوصی نبود، بلکه بخش خصوصی بخشی از آن بود و رویکرد حضور همه جانبه مردم در اقتصاد برای خودکفایی بود.

دوره دوم انقلاب، دوره‌ای است که پس از اتمام جنگ و رهایی از تهدیدهای امنیتی داخلی (تظاهرات، کودتا، ترور سیاسی) و امنیت خارجی (۸ سال دفاع مقدس)، کشور در جایگاه تثبیت قرار می‌گیرد. این دوره همزمان با دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی بوده که طبق سیکل‌های اقتصاد سیاسی، سیاست‌های رشد اقتصادی در دستور کار قرار گرفت. (همان). و به شدت کارهای جهادی و محرومیت‌زدا و در راستای افزایش پیشرفت اقتصادی و رفاه اجتماعی و پروژه‌های بزرگ اجرا شد به نحوی که این دوران به دوران سازندگی معروف شد.

در این دوره جریان جدیدی به تدریج در کشور شکل گرفت و نیروهای تکنوکرات (فن سالار) که سابقه کار اجرایی داشته و بسیاری از آنها در کابینه دولت قبلی نیز پست وزارت یا مشاورتی را دارا بودند، روی کار آمدند. این جریان با زیر سؤال بردن سیاست‌های چپ‌گرایانه در کشور و نقد عملکرد دولت طی دهه اول انقلاب، خواستار بازنگری سیاست‌های مذکور در چهارچوبی واقع‌گرایانه شدند و به نوعی از سیاست‌های لیبرال در حوزه فرهنگی و اقتصادی حمایت می‌کرد. با به قدرت رسیدن هاشمی رفسنجانی در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۶۸ زمینه برای گسترش این تفکر در کشور هموارتر گشت. کارگزاران سازندگی دارای گرایش به اقتصاد بازار آزاد، تقویت بخش خصوصی و خواستار اجرای برنامه تعدیل اقتصادی و خواستار فضای

باز سیاسی و فرهنگی، بودند و بر تسریع روند بازسازی اقتصادی کشور و تشنج زدایی در حوزه سیاست خارجی تأکید می‌کردند. (فوزی، ۱۳۹۵ : ۳۴).

در این سالها اولین اقدام مجلس و دولت تدوین برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بود که تلاش گردید برنامه توسعه کشور متناسب با شرایط جدید و لحاظ کردن ارزشهای انقلابی و اسلامی جهت گیری شود اما در جریان تدوین برنامه مشهود بود که در این مورد دیدگاه های مختلفی وجود دارد. در این برنامه ضمن تأکید بر لزوم تجدید نظر بر سیاستهای اقتصادی دوران جنگ و به منظور افزایش رشد تولید و حل مشکلات اقتصادی کشور، بر لزوم تعدیل زیرساختهای اقتصادی، آزادسازی اقتصادی و کاهش کنترلها و تصدی گری دولتی و نهایتاً خصوصی سازی اقتصاد تأکید شده بود. اکثر نمایندگان مجلس تنها راه را ایجاد امنیت برای سرمایه و حذف محدودیتهای اعمال شده بر بخش خصوصی می‌دانستند. هر چند در برنامه بر رشد و عدالت تأکید شده بود اما نگاه غالب آن بود که رشد اقتصادی باید در اولویت قرار گیرد و بعد به عدالت اجتماعی پرداخته شود (همان : ۴۱).

همچنین در این دوره شاخص های اقتصادی کلان کشور نتایجی در برداشت که در جدول شماره ۱ آورده شده است (همان : ۴۳). اجرای برنامه اول توسط دولت نشان می دهد که با شروع برنامه، رشد اقتصادی چشمگیر بود اما این روند مستمر نبود بلکه علیرغم موفقیت های دو سال اول به سرعت روند رشد به شدت کاهش یافت به طوری که در سالهای آخر برنامه روند رشد اقتصاد، نزولی شد. رشد اقتصادی که در سال ۱۳۷۰ حدود ۱۲/۱ درصد بود، در سال ۱۳۷۲ به ۱/۵ درصد رسید. این امر نشان دهنده آن است که این برنامه نتوانست رشدی مستمر و پایدار را در اقتصاد شکل دهد و رشد اقتصادی تحت تأثیر تحولات خارج از کنترل برنامه قرار گرفت (همان).

جدول ۱- شاخص های مهم اقتصادی در دوران سازندگی

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	متوسط
رشد تولید ناخالص داخلی	۵/۹	۱۴/۱	۱۲/۱	۴/.	۱/۵	/۵	۲/۹	۶/۱	۳/۹
رشد سرمایه گذاری	۷/۴	۱۳/۸	۶۴/۴	-۳/۵	-۱۰/۳	-۱۴/۲	-۴/۵	/۲۵	۵/۹
نرخ تورم	۱۷/۳	۸/۹	۲۰/۷	۲۴/۴	۲۲/۶	۳۵/۲	۴۹/۴	۲۳/۲	۲۲/۸
نرخ بیکاری	۱۵/۵	۱۴/۲	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۹/۱	۱۰/۵
ضریب جینی	/۴۰۹۲	۰.۳۹۶۹	۰.۳۹۹۶	۰.۳۸۷۰	۰.۳۹۷۶	۰.۳۹۹۳	۰.۴۰۷۴	۰.۳۹۱۰	۳۹۸۵
نسبت هزینه ده درصد ثروتمند به ۱۰ درصد فقیر	۱۷/۶.	۱۵/۹	۱۶/۳	۱۵/۹	۱۶/.	۱۵/۷	۱۶/۱	۱۴/۵	۱۶

منبع: آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و "مهمترین شاخص های اقتصادی کشور"، گزارش

راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک، ش ۱۶۲ اردیبهشت ۱۳۹۲ و آمار مرکز آمار ایران

دوره سوم، دوره ای است که در سیکل های اقتصاد سیاسی اولویت آن سیاست و مسائل سیاسی و زندگی اجتماعی است. این دوره همزمان می شود با دوران ریاست جمهوری خاتمی که با شعارهای سیاسی و جامعه مدنی و آزادی مقتدرانه به رئیس جمهوری

دست می‌یابد. در این دوره بحث‌های زیادی مبنی بر اولویت سیاست بر اقتصاد صورت گرفت که عمدتاً همراهان دولت بر اولویت سیاست بر اقتصاد تأکید داشتند. از این رو در دوره وی شاهد رشد اقتصادی مناسبی نسبت به وضعیت کشور نبودیم (متوسط دوره هشت ساله حدود ۵/۴۵ درصد) و فقط فضای نیمه باز سیاسی شکل گرفت. (زمانی، ۱۳۹۶: ۲۶).

وضعیت شاخص‌های کلان اقتصادی کشور در این دوره نیز در جدول ۲ نشان داده شده است و حاکی از این است که در مجموع علیرغم ثبات اقتصادی و تعادل اقتصادی در بخش‌های مختلف و توجه بیشتر به بحث رشد توأم با عدالت اجتماعی و علیرغم برخی موفقیت‌ها، اما این دولت نیز نتوانست تحول مهمی را در ساختار اقتصادی کشور به وجود آورد (فوزی، ۱۳۹۵: ۴۷). تولید ناخالص داخلی که نشان دهنده نرخ رشد اقتصادی است در دوره مذکور هرچند با فراز و نشیب‌هایی همراه بود اما نسبت به گذشته روند مطلوب‌تر و با ثبات تری را تجربه کرد. از نظر شاخص رشد سرمایه‌گذاری، نیز بیشترین میزان رشد و کمترین نوسان در این دیده می‌شود (همان).

جدول ۲- شاخص‌های مهم اقتصادی در دوران اصلاحات

سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	متوسط
رشد تولید ناخالص داخلی	۲/۸	۲/۹	۱/۶	۵/۰	۳/۳	۷/۶	۶/۸	۴/۸	۳/۹
رشد سرمایه‌گذاری	۱۲/۵	۳/۲	۵/۸	۴/۱	۱۴/۲	۱۲	۱۰/۸	۷	۷/۷
نرخ تورم	۱۷/۳	۱۸/۱	۲۰	۱۲/۶	۱۱/۴	۱۵/۸	۱۵/۷	۱۵/۲	۱۵/۵
نرخ بیکاری	۱۳/۱	۱۲/۵	۱۳/۵	۱۴/۳	۱۴/۲	۱۲/۸	۱۱/۸	۱۰/۳	۱۲/۸
ضریب جینی	۰،۴۰۲۹	۰،۳۹۶۵	۰،۴۰۰۹	۰،۳۹۹۱	۰،۳۹۸۵	۰،۴۱۹۱	۰،۴۱۵۶	۰،۳۹۹۶	۰،۴۰۴۰
نسبت هزینه ده درصد ثروتمند به ۱۰ درصد فقیر	۱۵/۷	۱۴/۲	۱۵/۴	۱۵	۱۴/۴	۱۶/۹	۱۶/۲	۱۴/۶	۱۵/۳

منبع: آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و "مهمترین شاخص‌های اقتصادی کشور"، گزارش

راهبردی، ش ۱۶۲ اردیبهشت ۱۳۹۲ و آمار مرکز آمار ایران

دوره چهارم کشور طبق سیکل اقتصاد سیاسی بازگشت مجدد به دوره تثبیت بود و اولویت اول کشور سیاست‌گذاری در حوزه تأمین امنیت و عدالت بود. از سویی دیگر سیاست‌هایی که وی دنبال می‌کرد تغییر ساختار حکمرانی کشور و شکل‌گیری نخبگان جدید اقتصادی و سیاسی بود. در کنار این امر سیاست‌های توزیعی جدیدی همچون طرح مسکن مهر، هدفمندی یارانه‌ها و سهام عدالت در این مقطع طراحی شد (زمانی، ۱۳۹۶: ۲۶).

در این دوره احمدی نژاد با گفتمانی انتقادی نسبت به رویکردها و عملکردهای اقتصادی دولت‌های گذشته پا به عرصه ریاست جمهوری گذاشت و عدالت اقتصادی و رسیدگی به وضعیت طبقات پایین جامعه و مناطق پیرامونی را شعار و اولویت خود قرار داد. بر این اساس دولت نهم به اصلاحات در بخش‌های مختلف از جمله نظام مدیریت و برنامه‌ریزی، بانک‌ها و اجرای برنامه تحول اقتصادی با اهداف افزایش بهره‌وری، اصلاح ساختار مالیاتی، هدفمند کردن یارانه‌ها، اصلاح ساختار بانکی، اصلاح ساختار گمرکی، نظام توزیع کالا و خدمات، ارزش‌گذاری پول ملی تأکید داشت. در این راستا، دولت اقدام به تأسیس صندوق مهر امام رضا، طرح بنگاه‌های زود بازده، طرح مسکن مهر، توزیع سهام عدالت، طرح هدفمندسازی یارانه‌ها کرد. در این دوران علیرغم اینکه ضریب جینی و شاخص‌های توزیع درآمد بهبود نسبی را نشان می‌دهند اما رشد اقتصادی طی سالهای ۸۴ تا ۹۱ بسیار

متغیر و بی ثبات و نزولی است و شاخص‌های مهم اقتصادی دیگر همچون تورم، رشد نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی و... از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده و در نهایت تحول آنچنان مهمی در ساختار کلی اقتصادی کشور رخ نداد (فوزی، ۱۳۹۵: ۴۹).

جدول ۳- شاخص‌های مهم اقتصادی در دوران گفت‌وگو عدالت‌گرا

	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	متوسط
رشد تولید ناخالص داخلی	۶/۹	۶/۶	۵	۰/۸	۳	۵/۸	۳	-۱/۹	۳/۶
رشد سرمایه‌گذاری	۸/۷	۳	۶/۶	۱۰/۹	-۰/۹	۶/۹	۱/۲		۵/۲
نرخ تورم	۱۰/۳	۱۱/۹	۱۸/۴	۲۵/۵	۱۰/۸	۱۲/۴	۲۱/۵	۳۰/۵	۱۶/۳
نرخ بیکاری	۱۱/۵	۱۱/۳	۱۰/۵	۱۰/۴	۱۱/۹	۱۳/۵	۱۲/۳	۱۲/۲	۱۱/۷
ضریب جینی	۰/۴۰۲۳	۰/۴۰۰۴	۰/۴۰۴۵	۰/۳۸۵۹	۰/۳۹۳۹	۰/۳۸۱۳	۰/۳۷۵۲		۳۹/۱۹
نسبت هزینه ده درصد ثروتمند به ۱۰ درصد فقیر	۱۴/۵	۱۴/۹	۱۵/۲	۱۳/۵	۱۴/۱	۱۳/۱	۱۲/۱۸		۱۳/۹۳

منبع: آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و "مهمترین شاخص‌های اقتصادی کشور"، گزارش راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک، ش ۱۶۲ اردیبهشت ۱۳۹۲ و آمار مرکز آمار ایران

در دوره اخیر نیز پس از اعمال تحریم‌های فلج‌کننده در سال ۱۳۹۰ به بهانه‌های مختلف از جمله حقوق بشر و انرژی هسته‌ای و امثالهم - که بعد از فتنه ۸۸ و عملیات رسانه‌ای و پروپاگاندای غرب صورت گرفت - باب مذاکره و دیپلماسی بیش از پیش باز شد. این مذاکرات در اواخر دولت دهم با اتحادیه اروپا به اوج خود رسید و سیاست چماق و هویج و دوگانه اروپاییان و عدم مدیریت داخل در مدیریت بازار در هجمه‌های اقتصادی دشمنان باعث شد تا مردم از وضع نابه‌سامان به وجود آمده ناراضی باشند. لذا گفتمانی جدید با عنوان مذاکره و دیپلماسی با قدرت‌های جهانی شکل گرفت و روحانی با حمایت هاشمی رفسنجانی و استفاده از راهبرد مذاکره با کدخدا سکان‌دار دولت شد. طبق سیکل اقتصاد سیاسی نیز این دوره معطوف به مسائل اقتصادی بود و روحانی نیز با متوسل شدن به شعار اعتدال در اوضاع سیاسی کشور و رونق اقتصادی از طریق کنترل تورم و دیپلماسی به رای بالای ۵۰ درصدی مردم دست یافت.

در این دوره مذاکره با ۵+۱ به عنوان تنها راهبرد کشور در دستور کار قرار گرفت و در حالی که در سال ۱۳۹۲ سیاست‌های کلی اقتصادی مقاومتی ابلاغ شد، وضعیت اجرایی کشور آنچنان تحولی نیافت و به نوعی تمام دستگاه‌های کشور معطل مذاکره ماند و از ظرفیت داخلی و درون‌زایی طبق فرمایشات رهبر معظم انقلاب و سیاست‌های کلی اقتصادی مقاومتی غفلت شد. تنها دستاورد دولت قبل از برجام تورم تک‌رقمی بود که آن هم بعد از برجام و شکستن حباب‌ها و عملیات اقتصاد سیاسی و عدم مدیریت داخلی رقم بالایی به خود گرفت. بعد از برجام نیز عملاً و به قول سیف رئیس کل بانک مرکزی تقریباً هیچ اتفاقی رخ نداد و ترامپ نیز پس از پیروزی در امریکا از توافق برجام بالمره امریکا را خارج کرد. در نتیجه این اتفاقات و افزایش یکباره نرخ ارز تا ۱۸ هزار تومان، رکود تورمی عمیق‌تر شد. البته در این دوره اقتصاد کشور با عنایت دکتر ستاری معاونت علم و فناوری

ریاست جمهوری قدم‌های خوبی در جهت دانش‌بنیان شدن اقتصاد کشور برداشته شد اما به جهت نوپا بودن نمی‌توانست تاثیر خود را در آمارهای کلان اقتصادی نشان دهد.

در سه دهه اخیر دولت‌ها با گفتمان‌های مختلفی در ایران به قدرت رسیدند و همه آنها بعد از جنگ بر کلیت ضرورت تحول ساختاری در اقتصاد ایران اجماع داشته و بر اصولی همچون تقویت رشد تولید اقتصادی، گسترش عدالت اجتماعی، خصوصی سازی، تحول در نظام بانکی و ارزی و ... تأکید داشتند و در واقع اختلاف اصلی آنها نه در کلیات حرکت اقتصادی، بلکه در تاکتیک پیشبرد این اهداف و اولویت‌بندی آنها بوده است. اما در اعمال و عملیاتی کردن این راهبرهای کلان نتوانستند رشد اقتصادی مستمر و پایداری را رقم بزنند و رشد اقتصادی همواره تحت تاثیر عوامل مختلف از جمله وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و تاثیر پذیری زیاد از بازار جهانی دارای فراز و فرودهای مختلفی بوده است. به بیان دیگر می‌توان گفت هرچند طی چند دهه بعد از انقلاب اسلامی ایران، عرصه دولت با جریانها و گروه‌های سیاسی مختلف عرصه‌ای متحول بوده است و این رویکرد متحول نیز تاثیراتی بر عملکرد متفاوت دولت‌ها داشته است اما این تفاوت عملکردی به حدی چشمگیر نیست که بتوان آن را تحولی عمده در اقتصاد ایران تحت تاثیر رویکردهای جدید دولتها دانست بلکه تغییرات عملکردی بسیار محدود و کم ثبات بوده است (همان: ۵۱).

در صورتی که در طول این دولت‌ها بارها رهبر معظم انقلاب و به ویژه در دوران سازندگی اقتصاد دولتی و اقتصاد نفتی را مایه ضعف کشور و ارث رژیم قبل می‌دانستند و اظهار می‌داشتند: «من هفده هجده سال قبل به مسئولان گفتم باید کاری کنید که ما هر وقت اراده کردیم، بتوانیم در چاههای نفت را ببندیم. آقایان به قول خودشان "تکنوکرات" لبخند انکار زدند که مگر میشود؟! بله، میشود؛ باید دنبال کرد، باید اقدام کرد، باید برنامه‌ریزی کرد.» (رهبر معظم انقلاب، ۱/۱/۹۲). یا توصیه‌های دیگری که در امر حکومت‌داری به اعضای دولت می‌کردند تا اینکه در ابتدای دهه ۹۰ نظریه اقتصاد مقاومتی را مطرح نمودند و در نهایت در سال ۱۳۹۲ در قالب سیاست‌های کلی آن را ابلاغ کرده و در بیانات و جلسات مختلف به تبیین و تشریح آن و ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی هم برای دولت و هم برای عموم جامعه پرداختند. لذا رهبران جمهوری اسلامی با ساده‌زیستی و دغدغه دین و معیشت مردم به ویژه قشر مستضعف؛ همواره تأکید بر عدالت همراه با رشد اقتصادی و رفاه عمومی داشتند و پیوسته مردم را به جهاد در میدان‌ها مختلف به ویژه جهاد اقتصادی و تلاش همه‌جانبه به تاسی از حضرت امیرالمؤمنین علی؛ دعوت می‌کردند.

گام دوم انقلاب اسلامی

در حالی که کشور در تلاطم‌های سیاسی و اقتصادی، دوران آرامی را سپری نمی‌کرد؛ در چهلمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، رهبر معظم انقلاب بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را منتشر کرد و در ضمن اشاره به دستاوردهای سیاسی، علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور و مشکلات و معضلات و ضعف‌ها به بیان نقشه‌راه پیشرفت و زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی و طلوع خورشید عظمای ولایت پرداختند. در این بیانیه رهبر معظم انقلاب ابتدا به تشریح سرگذشت چهل‌ساله انقلاب اسلامی پرداختند و انقلاب اسلامی را منشا برکات زیر دانستند:

۱- امنیت و تمامیت ارضی را ضمانت کرد.

۲- موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و زیرساخت شد.

۳- مشارکت مردمی را در «مسائل سیاسی»، «حضور در صحنه‌های ملی» و «استکبارستیزی» به اوج رسانید.

۴- بینش سیاسی آحاد مردم را ارتقاء داد.

۵- کفّی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد.

۶- عیار معنویّت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه افزایش داد.

۷- ایستادگی در برابر مستکبران روز به روز بیشتر شد.

سپس به تفاوت چالش‌های دیروز و امروز انقلاب با مستکبران پرداختند. در بخش سوم از این بیانیه ظرفیت‌های مهم کشور را برای گام دوم انقلاب ابراز داشتند. در اصلی‌ترین بخش بیانیه نیز راهبردهای اصلی یک حکومت و جامعه اسلامی را در قالب سرفصل‌های علم و پژوهش، معنویّت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزّت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ع) توصیه داشته‌اند. در این مقاله به موارد اقتصادی و عوامل مؤثر در حکمرانی اقتصادی پرداخته می‌شود و در نهایت شاخص‌هایی از آنها برای سنجش حکمرانی اقتصادی مبتنی بر دیدگاه اسلامی استخراج می‌شود.

رهبر معظم انقلاب در سرفصل اقتصاد توصیه‌های راهبردی می‌فرمایند :

«اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهمّ سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیّات و معنویّات بشر، اثر میگذارد. اقتصاد البتّه هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، امّا وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقلّ کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیّت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی است.

مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیّت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیّت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویّتها و وجود هزینه‌های زائد و حتّی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است.

راه‌حلّ این مشکلات، سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه‌ی بخشهای آن تهیّه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیّت، در دولتها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولّد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیّتهایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخشهای مهمّ این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلّط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیتّ چنین مجموعه‌ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علّت تحریم هم مقاومت ضدّ استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم

برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر میشود، اما منشأ آن، کانونهای فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء میشود.»

ایشان در سرفصل عدالت و مبارزه با فساد نیز نکات مهمی را اظهار می‌دارند :

«این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به‌معنای واقعی با فساد مبارزه کند، به‌ویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.

البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فسادپرو بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند دراین‌باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسانهایی باایمان و جهادگر، و منیع‌الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.

عدالت در صدر هدف‌های اولیه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نافه) میسر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لاف‌سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان -که بحمدالله کم نیستند- سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان‌شاءالله.»

آنچه که در این دو سرفصل و برخی قسمت‌های دیگر بیانیه بیان شد؛ شامل مؤلفه‌هایی بود که هر یک قابلیت خوبی برای مطرح شدن در مقوله حکمرانی و به ویژه حکمرانی اقتصادی دارند. این مؤلفه‌ها عبارتند از : ۱. استقلال اقتصادی ۲. توزیع عدالت محور ۳. مدیریت جهادی ۴. عدم تقید نفتی یا غیر نفتی ۵. اشتغال‌زایی ۶. مشارکت مردمی ۷. میزان حمایت از تولیدات دانشی ۸.

میزان مولد بودن حقیقی (نه آمارهای خام فروشانه GDP) ۹. درجه مبارزه با فساد ۱۰. عدالت ۱۱. حمایت از مستضعفین و میزان ریشه کن کردن فقر.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی رویکرد جدیدی را در شیوه حکمرانی در قرن اخیر به جهانیان معرفی کرده است. اما در ۴ دهه گذشته که جمهوری اسلامی در کوران جنگ و تحریم و تهدید و مرعوب‌سازی‌ها و کارشکنی‌های داخلی و خارجی قد علم کرده و به تنهایی ایستاده است، هنوز به دلیل کمبود نیروی انسانی، سکولاریت حاکم بر فضای دانشگاهی، عدم حمایت دولت‌ها از پژوهشگران علوم انسانی اسلامی و مناقشه‌های چندجانبه و امثالهم نتوانسته است از ظرفیت‌های غنی خود در امر تدوین مبانی نظری در عرصه‌های مختلف علوم انسانی پیش برود. در حالی که در غرب و نظام سرمایه‌داری بیش از دو قرن طول کشید تا نظریه‌هایی امثال نظریه حکمرانی خوب ارائه شد. علاوه بر این طی این دو قرن نظام سرمایه‌داری با تولید علم و مبانی نظری خودشان، گستره نفوذ خود را در جهان تا حدی گسترش دادند به نوعی که تمام دانشگاه‌های جهان مطیع و در حقیقت فرمان‌بردار و برده صاحب نظام سرمایه‌داری یعنی امریکا شدند و هر آنچه مد نظر آنان بود در دانشگاه‌های خود تدریس کردند و در دایره گسترده علوم انسانی غرب دست به تولید علم زدند و به عبارت دیگر در نظام علمی سرمایه‌داری هضم شدند.

اکنون نظام مردم سالاری دینی از مرز چهل ساگی عبور کرده است و در محافل علمی البته با وجود سانسور و کارشکنی‌های همیشگی راه یافته است. یکی از مهمترین آثاری که به معرفی و تمجید از نظام حکمرانی اسلامی با محوریت ولایت فقیه پرداخته است، کتاب تئوری چهارم سیاست اثر پروفسور دوگین، متفکر روسی است. وی در این کتاب نظام‌های سیاسی ایران و روسیه را به عنوان جدیدترین شیوه حکمرانی قلمداد کرده است که در قالب سه شیوه لیبرالیسم و کمونیسم و فاشیسم (ناسیونالیسم و ...) گنجانده نمی‌شود. لذا این دو حکومت طلوعی جدید در عرصه حکمرانی در جهان هستند.

بنابراین بعد از شروع حرکت‌های علمی که از دهه ۸۰ شروع شده است، به نظر می‌رسد مقطع کنونی امروز در تاریخ نقطه عطفی است برای شروع رشد فزاینده علمی و عملی در حوزه علوم انسانی اسلامی است. لذا رهبر انقلاب با ابلاغ بیانیه دوم انقلاب در حقیقت جوان‌های مؤمن را به تولید علم و صدور آن فراخوانده‌اند. حکمرانی اقتصادی نیز یکی از مباحثی است که یک حکومت اسلامی باید در چهارچوب آن حرکت کند و منشوری باشد تا از طریق آن مردم و نخبگان حکومت‌ها را با آن شاخص‌ها سنجش کنند. در بیانیه گام دوم نیز شاخص‌هایی دیده می‌شود که از طریق آن می‌توان مؤلفه‌های حکمرانی اقتصادی، نظام‌های اسلامی را استخراج نمود. این مؤلفه‌ها عبارتند از :

۱- امنیت :

امنیت می‌تواند شامل امنیت جانی و مالی و آبرویی باشد اما یک نوع امنیت نیز امنیت روانی- رسانه‌ای اقتصادی است. این امنیت در اقتصاد بسیار مهم بوده و حتی می‌تواند یک شبه بانکی را ورشکسته کند و یا قیمت ارز را بالا ببرد و از همه مهمتر جامعه را نسبت به نهادهای مالی کشور بی اعتماد کند.

۲- مردم سالاری و مشارکت مردمی :

مردم سالاری یا دموکراسی شعارهای زیبای نظام‌های امروزی به ویژه نظام‌های سرمایه‌داری است در حالی که اگر مشارکت مردمی فقط در رای گیری بین دو حزب تغییر ناپذیر باشد، در حقیقت آن دموکراسی یک الیگارش یا اشراف سالاری نوین است. مشارکت مردمی در حکومت‌های اسلامی باید به نحوی باشد که هر فردی بتواند به راحتی با مسئولانش صحبت کرده و حتی

طبق فرمایشات حضرت امیرالمؤمنین ؛ نصیحتش کند. امروزه سامانه‌های کامپیوتری و برخط این هم‌افزایی اجتماعی و مردمی را در صورت اجرا شدن به راحت‌ترین و بهترین نحو می‌توانند ممکن سازند.

۳- آزادی :

آزادی اجتماعی یعنی حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه وجود دارد. اما آزادی حتی در غرب هیچگاه به معنای تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی نیست. البته هر ۴ مؤلفه در غرب با معیارهای سرمایه‌داری و البته جانبدارانه و سیاسی تفسیر می‌شود که خود این حرکت خلاف آزادی است. آزادی در حقیقت به این معناست که هر آنچه فرد بخواهد بگوید یا عمل کند، با آگاهی کامل و در چارچوب قانون و اخلاق و ارزش‌های انسانی و الهی بگوید و عمل کند. آزادی در رسانه نیز به همین شکل است.

۴- دولت خدمت‌گزار :

دولتی خدمت‌گزار است که در کیفیت خدمات عمومی، بیمه، اشتغال‌زایی و پشتیبانی از کارآفرینان، تامین حداقل‌های زندگی تمام مردم، آموزش صحیح نیروی انسانی، ترویج سبک زندگی اسلامی و ... دارای درجات ممتازی باشد.

۵- معنویت و اخلاق :

معنویت و اخلاق اساسی‌ترین ارکان حکومت‌های اسلامی هستند و یکی از فاحش‌ترین تمایزات با نظام‌های سکولار به شمار می‌روند. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. در نتیجه نهادهای آموزشی و فرهنگی و تربیتی چون آموزش و پرورش و حوزه علمیه و دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی همچون مساجد نقش پر رنگی در آموزش و تربیت معنویت و اخلاق دارند. معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکو است.

۶- مبارزه با فساد :

فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی توده‌ی چرکین نظام‌ها و کشورهاست. لذا اقدامات عاجلی و با هماهنگی تمام قوا و مسئولیت فراقوه‌ای می‌خواهد. از طرفی دیگر فساد در هر جای کثیفی امکان رویش و رشد و نمو دارد و هدف باید همیشه مبارزه با فساد باشد و از راهکارهای مختلف به ویژه شفافیت و سامانه‌های مختلف و البته تقویت بنیان‌های آموزشی و فرهنگی و تربیتی جامعه باید استفاده کرد.

۷- مدیریت جهادی :

ساختار فشل اداری و بروکراتیک کشورها و عدم شجاعت و تلاش همه‌جانبه در این سیستم‌ها باعث می‌شود بسیاری از کارها عقب بیافتد و یا نابود شوند و زمان پیشرفت و حرکت بسوزد. میزان مدیریت جهادی و روحیه جهادی کارکنان می‌تواند معیاری خوبی برای سنجش ادارات و سازمان‌ها در میزان همراهی و پیگیری بودن و اتلاف وقت ارباب رجوع باشد. در کنار این معیار، سازوکارهای اصلاحی هر سازمان می‌تواند شاخص مؤثری دیگر باشد.

۸- عدالت :

تاویل غرب از عدالت، آزادی در تجارت و به دست آوردن پول و سرمایه است در حالی که در اسلام برابر بودن فرصت‌ها برای تجارت یکی از مصداق‌های عدالت است. به طور کلی عدالت به معنای برابر بودن فرصت‌ها و بازتوزیع سرمایه برای برقرار کردن حداقل برابری فرصت‌ها است. این بازتوزیع نیز در حقیقت حق جامعه و حکومت و مردم و منطقه و افراد محروم و معلول است. به علاوه مسئله مهم دیگر عدالت این است که توزیع نیز باید بر اساس عدالت باشد.

۹- استقلال اقتصادی :

کشور و حکومتی که چه از داخل و چه از خارج وابستگی نسبی داشته باشد، نشان از ضعف حکمرانی اقتصادی است. بنابراین اگر کشوری به عنوان مثال ۴۰ درصد واردات را از یک کشور انجام می دهد و یا در صادر کردن فقط به یک کالا همچون نفت وابسته است، میزان استقلال اقتصادی کمی داشته و در نتیجه در حکمرانی اقتصادی نیز امتیاز پایین تری را خواهد داشت.

۱۰- کیفیت نظارت :

نظارت و اصلاح رویه و پیگیری شکایات و انتقادات مردم معیار بسیار خوبی برای سنجش اهتمام این بخش از حکمرانی اقتصادی در خصوص میزان اتقان عمل حکومت در قبال متخلفان است.

۱۱- تبعیت از قانون :

کیفیت قانون و قانون‌گرایی مردم و مسئولان و شدت بازدارندگی قانون و میزان استقلال قوه قضاییه، حقوق مالکیت مادی و معنوی و کیفیت اجرای قراردادهای، همه و همه مبین میزان آگاهی آحاد مردم نسبت به قانون و کیفیت و قدرت و بازدارندگی و اجرای قانون در حکومت است و به شدت در اقتصاد و فرآیندهای اقتصادی نقش تعیین کننده‌ای دارد.

۱۲- عزت ملی :

عزت ملی شاخصی است که هم از طریق همبستگی داخلی مردم و جامعه با دولت و حکومت محقق خواهد شد و هم از طریق دستگاه دیپلماسی کشور در پرتوی مثلث «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط و مذاکرات بین‌المللی به منصفه ظهور خواهد رسید. به علاوه دیپلماسی عمومی از طریق اصحاب رسانه و تک تک نخبگان و مردم نیز می‌تواند اسباب مؤثری در این راستا باشد. قراردادهای و مذاکرات اقتصادی و تعاملات دو یا چند جانبه و بازاریابی دستگاه دیپلماسی بسیار مهم بوده و در دایره عزت ملی در ذیل حکمرانی اقتصادی قرار می‌گیرد.

علاوه بر موارد ذکر شده، ممکن است شاخص‌های دیگری هم بتوان مطرح کرد که در معیارها و حتی به عنوان زیرشاخص قرار بگیرد. در این تحقیق سعی شد تا معیارهایی برگرفته از بیانیه گام دوم انقلاب در زمینه حکمرانی اقتصادی استخراج شود و شاخصه سازی و کمی‌سازی این معیارها تحقیقات دیگری را می‌طلبد. گرچه بانک جهانی نیز فقط ۶ شاخص کیفی را در حکمرانی خوب در نظر گرفته و اطلاعات را از طریق مصاحبه کیفی جمع‌آوری می‌کند.

منابع

۱. میدری، احمد (۱۳۸۲)، حکمرانی خوب: مروری بر پایان نامه دکترای اقتصاد، بررسی های بازرگانی، ش ۴، ص ۱۴۹-۱۴۴.
۲. مبارک، اصغر، آذریپوند، زیبا (۱۳۸۸)، نگاهی به شاخص های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی، اقتصاد اسلامی، سال نهم، ش ۳۶، ص ۱۷۹ - ۲۰۸.
۳. نادری، محمدمهدی (۱۳۹۰)، حکمرانی خوب؛ معرفی و نقد اجمالی، اسلام و پژوهش های مدیریتی، سال اول، ش اول، ص ۶۹ - ۹۳.
۴. ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۷)، حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، علوم انسانی، سال هفدهم، ش ۷۶، ص ۱۰۷ - ۱۲۸.
۵. حسینی تاش، سیدعلی، واثق، قادرعلی (۱۳۹۳)، حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته و بررسی شاخص های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی ؛ .
۶. زهیری، علیرضا (۱۳۹۳)، نسبت سنجی بوم شناسانه الگوی حکمرانی خوب، علوم سیاسی (باقرالعلوم)، سال هفدهم، ش ۶۶، ص ۸۷ - ۱۱۱.
۷. سردارنیا، خلیل الله، شاکری، حمید (۱۳۹۳)، تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، ش ۴، ص ۲۷ - ۵۳.
۸. میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب: بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۹. تری، جان (۱۳۸۵)، تغییر دیدگاه ها در اقتصاد توسعه (ترجمه جعفر خیرخواهان)، اقتصاد سیاسی تحول همه جانبه، شماره ۱.
۱۰. مایر، جرال و سیرز، دادلی. (۱۳۶۸)، پیشگامان توسعه، (ترجمه علی اصغر هدایتی و علی یاسری)، تهران: انتشارات سمت.
۱۱. میدری، احمد (۱۳۸۵)، مقدمه ای بر نظریه حکمرانی، رفاه اجتماعی، سال ششم، ش ۲۲، ص ۲۶۱ - ۲۸۶.
۱۲. زمانی، رضا (۱۳۹۶)، سیکل های اقتصاد سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تا اوایل دهه ۱۳۹۰، مجلس و راهبرد، سال بیست و چهارم، ش ۹۱، ص ۵ - ۳۴.
۱۳. انجمن پژوهشگران ایران، (۱۳۷۲) ایران در آستانه سال ۲۰۰۰، پاریس؛ بی تا، ص ۳۰.
۱۴. فوزی، یحیی (۱۳۹۵). تحول دولت ها و عملکرد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، ش ۳، ص ۲۷ - ۵۸.
۱۵. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

منابع انگلیسی :

16. Johnson, I. (1997), redefining the concept of governance.

17. Kaufmann, D., Kraay, A. & Mastruzz, M. (September 2006),
Governance Matters V: Governance Indicators for 1996.
18. Kaufmann, D., Kraay, A. & Mastruzz, M. (2010),
Methodology and Analytical Issues, The Worldwide Governance
Indicators, The World Bank, Development Research Group,
Macroeconomics and Growth Team.
19. World bank, (2007), booklet a decade of measuring of quality of
governance, Washington DC.
20. Nyangueso, Agili John, (2018), a critical review of
literature on influence of good governance on service quality,
International Journal of Social Sciences and Information Technology,
Vol IV Issue X, p 159 - 168.